

بازی با اسلام می خواهیم جوانان

زهرا دهخدا



بخش دوم:

پرسش ها و پاسخ ها پیرامون روان شناسی

در بخش مذکور، مفهوم خوشبختی و رموز آن از دیدگاه معصومین (علیهم السلام) مطرح می شود. هم چنین راه های جلوگیری از فشارهای روانی، با عنوان «توکل به خدا»، «عزت نفس» و «صبر و امیدواری» بیان می گردد.

نویسنده محترم در قسمت هایی از این بخش به آخرین و جدیدترین روش مبارزه با استرس و راه های درمان ضعف اعتماد به نفس می پردازد و این راه ها را در «تماز»، «استغفار»، «تلاوت قرآن» و «توسل به پاکان و معصومان» جستجو می کند.

بخش سوم:

پرسش ها و پاسخ های قرآنی

جوانان دوست دارند لذت شیرینی ارتباط با قرآن را بچشند و... آنان می خواهند از حکمت قرآن، فلسفه آن و نزول تدریجی قرآن بدانند. در این بخش سئوالات قرآنی مطرح می شود.

بخش چهارم:

پرسش ها و پاسخ های تربیتی و پرورشی

این بخش شامل مطالبی پیرامون رازها و راه های سالم ماندن و طول عمر، تأثیر روحی - روانی رنگ ها بر زندگی که انسان، دیدگاه آموزه های آسمانی درباره ورزش و بازی و... می باشد. چند سطر از فصل «جوانی» این کتاب را با یکدیگر مرور می کنیم:

«جوانی ایامی سرسبز و به یادماندنی است که با عطر «عشق» و رایحه «اندیشه» همیشه شاداب می ماند و فردا و فرداهایی پس سعادت آفرین می آفریند؛ این دوران با نوشته های نوپرداز، شیک و پرجاذبه رنگی دیگر می یابد و با یافتن «هویت» و «شخصیت» تحولی پر عظمت از خود نشان می دهد.

... و جوانی زمان زرین و صبح سپید و طلایی حیات انسان هاست که با طلوع خورشید «دانش و بینش» و نسیم حضور «مسیح نفس والا» ارزشی صدچندان می یابد و الگویی ماندگار برای همگان می شود.»

پی نوشت ها:

(۱) بحار، ج ۱۷، ص ۴۹.

به پنهان معرفی کتاب «جوانان، پرسش ها و پاسخ ها» (جلد اول)

نویسنده: احمد لقمانی

ناشر: انتشارات بهشت بینش

نوبت چاپ: اول / مهرماه ۱۳۸۲

قیمت: ۱۸۰۰۰ ریال

پاس، بوی مهربانی می دهد

عطر دوران جوانی می دهد

کاش درهای جوانی باز بود

نیمه شب ها، مهربانی باز بود

ما سر خود را اسیری می بریم

ما جوانی را به پیری می بریم

دوره بلوغ و جوانی یکی از بحرانی ترین دوران زندگی می باشد. این دوره، دوره سردرگمی ها و اشتباه هاست. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) جوانی را نوعی جنون دانسته و فرموده اند: «الشباب شعبة من الجنون»^(۱) ابهام و سردرگمی، محدود بودن دانش و تجربه جوانان، انسان را به سمت خطا و انحراف می کشاند. جوان، لبریز سوال است و تشنه دانستن. چگونگی پاسخ دادن به سئوالات او در رشد و کمال و یا تباهی او تأثیر به سزایی دارد. پس جوان برای اینکه راه درست زندگی را بیابد، نیاز به زمینه های تربیتی مناسب دارد.

همین امر، نویسنده متعهد و دلسوز مجموعه دو جلدی «جوانان، پرسش ها و پاسخ ها» را بر آن داشته است که بیش از دویست پرسش و برای نسل جوان پاسخ گوید. هم چنین نویسنده از مشورت صاحب نظرانی و الامقامی چون بعضی از مراجع تقلید و یا مشاوران ارشد آموزش عالی بهره مند گشته است.

موضوعات جلد اول مجموعه مذکور به شرح زیر می باشد:

بخش اول:

پرسش ها و پاسخ ها پیرامون جوان و جوانی

در این بخش موضوع جوانی آغاز می شود و از الگوخواهی و الگویابی نسل جوان سخن می رود. نویسنده در این بخش متذکر می شود که این الگویابی، خط فکری، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جوانان را تا پایان عمر ترسیم می کند و چه بسا ممکن است که آرایه الگوهای نامناسب و غیر مطلوب از سوی دشمن، غیرت دینی و مذهبی جوانان ما را تهدید کند.

توانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند و هم رنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند.

تنها چیزی که می تواند در آنها «امید» را زنده نگه دارد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، امید به اصلاح نهایی است؛ تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش برای حفظ پاکی خویش و اصلاح دیگران بر نخواهند داشت.

به همین دلیل، امید را می توان همواره به عنوان یک عامل موثر تربیتی در مورد افراد فاسد شناخت، همچنین افراد صالحی که در محیط فاسد گرفتارند، بی امید نمی توانند خویشتن را حفظ کنند.^{۱۰}

از آن چه اشاره شد، به خوبی می توان دریافت که چرا معصومین (علیهم السلام) برای انتظار فرج و گشایش، به ویژه در دوران پنهان زیستن آخرین حجت الهی، قایل بوده اند. کوتاه سخن این که انتظار، باوری است، بارور به عمل که در زندگی انسان منتظر، در قالب کرداری خاص، تجسم می یابد. دست روی دست گذاردن و بی هیچ کنشی منتظرانه خود را منتظر دانستن، تفسیری وارونه و منافقانه از انتظار است.

انتظار، اعتقادی است در گرو عمل؛ عمل کردن به آن چه که فرهنگ انتظار ایجاب می کند.

انتظار، چشم داشتن به حاکمیتی است که در آن، ناپاکان، ستم گران، متظاهران بی اعتقاد و معتقدان بی کردار، به شمشیر عدالت و دیانت سپرده می شوند.

دین، از بدعت ها و کجی ها و دورویی و ناروایی ها، پیراسته می گردد.

نادرستی ها و ناراستی ها کنار می رود، کاخ های به ظلم افراشته ی تاریخ، سقوط می کنند، زنجیرهای نادانی و اسارت گسسته می شوند، نابخردی ها و ناحقی ها پایان می یابند، دنیای ناراستان به فرجام می رسد.

شخص منتظر، خود ساخته ای آماده ی پیوستن و درآمدن در صف نهضت و قیامی که نهمین سلاله ی حسین (ع) آن را رهبری می کند و همه سنگرهای ظلم و ستم و پلیدی و نفاق و ناپاکی و بدعت را فرد می ریزد و حق و حق پرستی و درستی و راستی و عدالت را جایگزین آن می کند.^{۱۱}

پی نوشت ها:

۱. رک: مکمل المکارم، ج ۲، ص ۱۵۲.
۲. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۵.
۳. حکیمی، محمد؛ عصر زندگی، ص ۲۶۱.
۴. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۸.
۵. رک: مکارم شیرازی ناصر؛ تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۸۱.
۶. مطهری، مرتضی؛ قیام و انقلاب مهدی (عج)، ص ۱۴.
۷. شیخ صدوقی؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۹.
۸. شیخ طوسی؛ کتاب الغیبة، ص ۴۵۹.
۹. رک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۷.
۱۰. تفسیر نمونه؛ ج ۷، ص ۳۸۷ - ۳۸۴، با تصرف.
۱۱. جمعی از نویسندگان؛ چشم به راه مهدی (عج)، ص ۲۲۲.